

سیر و سیاحت در ترکستان و ایران

قسمت اول

(یک جوان ژنوی در سینه آسیا)

باید دانست که هنری موزر کتاب دیگری هم درباره ایران با عنوان «در ایران» سال ۱۸۹۴ میلادی در جزو انتشارات «کتابخانه مصور مسافرتیهای دور دنیا از راه خشکی و دریا» بچاپ رسانیده است که مندرجاتش منحصرأ مربوط به مملکت و مردم ایران است و باز کتاب دیگری درباره «آیاری در آسیای مرکزی» نوشته که در سال ۱۸۹۴ میلادی در پاریس بوسیله انتشارات علمی بچاپ رسیده است.

موزر در مقدمه مختصری که در ماه ۱۸۸۵ میلادی بر کتابش نوشته میگوید: «اگر دو سال پیش از این کسی به من می گفت که تو یک کتاب خواهی نوشت خندام می گرفت ولی با این وصف ملاحظه فرمائید که نحوست و بدبختی چگونه ناغافل سراغ آدم می آید» و سپس شرح میدهد که چگونه نامه های او را که در طی سیاحتهای خود به ژنومی نوشته است بصورت کتاب بچاپ رسانیده اند.

موزر درباره نویسندگی خود که چون زیاد اهل علم و فن و فضل و کمال نیست بیشتر در نتیجه «عشق به مجهولات» به سیر و سیاحت دنیا پرداخته است و منظور و مقصودش سیر در آفاق واقفان بوده است «نه روشن ساختن اذهان هموطنان» و لهذا «هرگز چشمها و گوشه هایم را در جیب نگذاشته ام و از اینرو آنچه به قلمم جاری شده است با علم و حکمت و سیاست سروکاری ندارد و داستان و سرگذشتی واقعی بیش نیست که بدون ادعا نوشته شده است و اگر گاهی مفرح و زمانی تاثیر انگیز است بستگی به ساعتها و لحظه هائی دارد که خوش و یا ناخوش بوده ام و رویهمرفته منظور اساسی من همیشه این بوده است که تاجائی که برایم مقدر بود از خوبیها و بدیهائی که دیده ام و از رسوم و اخلاق مردم و قبایل گوناگونی که دیده ام و با آنها نشست و برخاست پیدا کرده ام و جالب توجه مرا کرده اند، بدون هیچ نوع طرفداری و یا مخالفتی تصویری که حتی المقدور مطابق به واقع باشد ترسیم نمایم.»

آقای گلبن در دیباچه بر کتاب نظر خود را درباره مؤلف کتاب «سفرنامه ترکستان و ایران» بدین قرار بیان فرموده است:

«نویسنده در سیاحتنامه خود زمینه های مختلفی را بررسی کرده و از لابه لای سطور نوشته اش پیداست که او مردی زیرک و هوشیار و ریزین و کنجکاو در مسائل گوناگون است.»

من نیز که اینک این سطور را می نویسم با آشناسدن به آثار هنری موزر یعنی نویسنده کتاب «سفرنامه ترکستان و ایران» کاملاً با نظر آقای گلبن موافقم و اساساً همیشه معتقد

در همین اوقات اخیر کتابی از تهران به دستم رسید که «سفرنامه ترکستان و ایران» نام داشت. کتاب به سعی و اهتمام دوست دیرینه من آقای محمد گلبن در سال گذشته یعنی ۲۵۳۶ در تهران در جزو انتشارات سحر بچاپ رسیده است. گذشته از آن همه مطالب بسیار آموزنده خواندنی راجع به صفحات آسیای مرکزی که به ترکستان معروف است و راجع به ایران خودمان در زمان ناصرالدین شاه کتابدارای تعدادی عکسها و تصاویر بسیار قبل توجه نیز هست که بر ارزش کتاب مبلغی می افزاید.

من آقای محمد گلبن را از دیرباز بوسیله مسکاتبه می شناسم و از ارادتمندان ایشان هستم و همواره از دور شاهد دل بستگی تام و تمام ایشان به کارهای ادبی و علمی و تاریخی بوده ام و بر همت ایشان آفرین خواننده و می خوانم که با وجود آنکه ادیب و شاعر و اهل قلم حرفه ای نیست و نان خود را در پرتو عرق جبین و کدیمین باید بدست بیاورد اما پیوسته با کوشش کم نظیری در راه ادب و معنویات رهسپار است و بایکدنیا خلوص نیت از خداوند خواستارم که در این راه پردردسر و کم اجر و پاداشی که قلم بر میدارد بار و یاورش باشد و بر امثال و نظایرش بیفزاید.

«سفرنامه ترکستان و ایران» کتاب بسیار سودمند و دلپذیری است که درست ۹۵ سال پیش از این جوانی بنام «هنری موزر» (۱) که اتفاقاً اهل همین شهر ژنو (که بحکم قضا و قدر اقامتگاه و آبشخور راقم این سطور گردیده است) بوده است آنرا نوشته است و با آنکه برای ما ایرانیان بغایت نافع و مملو از اطلاعات بسیاری است که از جهات متعدد به دردمان می خورد تازه تقریباً پس از یک قرن بزبان فارسی در دسترس ما گذاشته می شود و آنچه بیشتر مایه تأسف می گردد این است که این کتاب از ایران ما و هموطنان ما و دولت و ملت ایران با واقع بینی آمیخته به محبت و علاقه صحبت میدارد و آن همه مطالب سودمند در دسترس ما می گذارد.

موزر در طول مسافرت دور و دراز خود بر سه مخبرین جراید نامه هائی به ژنو می فرستاده است که در همان موقع در روزنامه موسوم به «ژورنال دوژنو» (که هنوز هم باقی و از روزنامه های معروف شهر ژنو بشمار میرود و هر روز بچاپ میرسد و خود بنده هم از مشترکین آن هستم) بچاپ میرسیده است و بعدها در سال ۱۸۸۵ میلادی به صورت کتاب (با ۱۸۶ قطعه عکس و ۱۱۷ تصویر و یک نقشه جغرافیائی از ایران و ترکستان) در پاریس به طبع رسیده است.

بوده و هستیم که سیر و سیاحت و مسافرت از بهترین کارهای دنیا بشمار می آید و واقعا «مربی مرد» است و بیشتر از آنچه انسان در خانواده و در مدرسه و در کوچه و بازار میتواند بوسیله زبان معلم و با وسیله کاغذ و قلم یاد بگیرد میتواند در ضمن مسافرت با چشم و گوش و درك و ذهن و فهم و شعور خود فراگیرد و حتی بسیاری از چیزهایی را که مربی و معلم و مدرسه و کتاب نمی توانند به ما بیاموزند مسافرت می آموزد و از اینرو مکرر گفته و نوشته ام که مرد مسلمان همیشه در که مستطیع شد موظف می گردد که به سفر حج و زیارت خانه خدا برود ولی در این روزگار کنونی باید معتقد بود که هر آدم مستطیع (بخصوص اگر قدری هم با زبانهای خارجی و مثلا انگلیسی و فرانسوی آشنا باشد) باید خود را موظف بداند که اقلا چند ماهی هم دنیاوردی کند و ولو نتواند با روح تمدن و ترقیات دنیای امروز آشنا گردد لافل از آنچه چشم میتواند ببیند و گوش بشنود و عقل و ادراک دریابد از مسافرت خود ذخیرهای بدست آورد و با باروبنه مفید که به کار روح و ضمیر خودش و بستگان و فرزندان بخورد به موطن مالموف برگردد (البته اگر خواست در چمدانش مقناری هم از متاعهای خوب همراه برای کس و کار - نه برای معامله در بازار - بیاورد هیچ عیبی ندارد).

و نیز در دیباچه بقلم آقای گلبن بر کتابی که موضوع این مقال است می خوانیم که موزر نویسنده کتاب مردی است سوییسی ... که بر سر این سیاحت رنجهای زیادی را تحمل

کرده تا توانسته سرزمین کهنسال و اسرارآمیز ترکستان را سیاحت کند. او اولین دفعه ای که قصه سیاحت ترکستان را میکند در بخارا به دست عمال امیر بخارا گرفتار و زندانی میشود و سپس او را بدین جهت از زندان آزاد می کنند که از آنجا به پترزبورگ برود و اجازه عبور از ترکستان را از دولت روسیه کسب کند. اما همینکه به سرحد افغانستان میرسد به علت نابسامانی اوضاع از سیاحت خود چشم میپوشد و از طریق افغانستان عازم اروپا می گردد.

نکته قابل توجه آنکه قبل از انتشار کتابی که موضوع بحث است ناصرالدین شاه در ضمن مسافرتی که در همان اوقات به ژنو کرده بوده است با هنری موزر (که لابد بمناسبت مسافرتهایش دارای شهرتی شده بوده است) آشنائی پیدا میکند. خود موزر شرح ملاقات خود را با ناصرالدین شاه آورده است و مانیز در همین مقاله انشاءالله خواهیم آورد. در هر صورت از قرار معلوم ناصرالدین شاه مایل بوده است که شرح مسافرتهای این شخص را بخواند و لهذا شخصی بنام میرزا علی خان که ظاهرا عنوان «مترجم مخصوص» شاه را میداشته است مقالاتی را که به قلم موزر در روزنامه «ژورنال دوژنو» به چاپ رسیده بوده است از فرانسه به فارسی ترجمه می کند و شخص خطاطی بنام محمد قزوینی (که البته با علامه مشهور محمد قزوینی نباید اشتباه شود) آن ترجمه را با خط نستعلیق نوشته و از نظر شاه گذرانده اند.

روزنامه ژنو فیصله دلیل در باب مسافرت میوموزر از مسکو تا استانبول

باید رسید که دولت روس که دارای مالک فسیحه شد با همه جهت تحمل

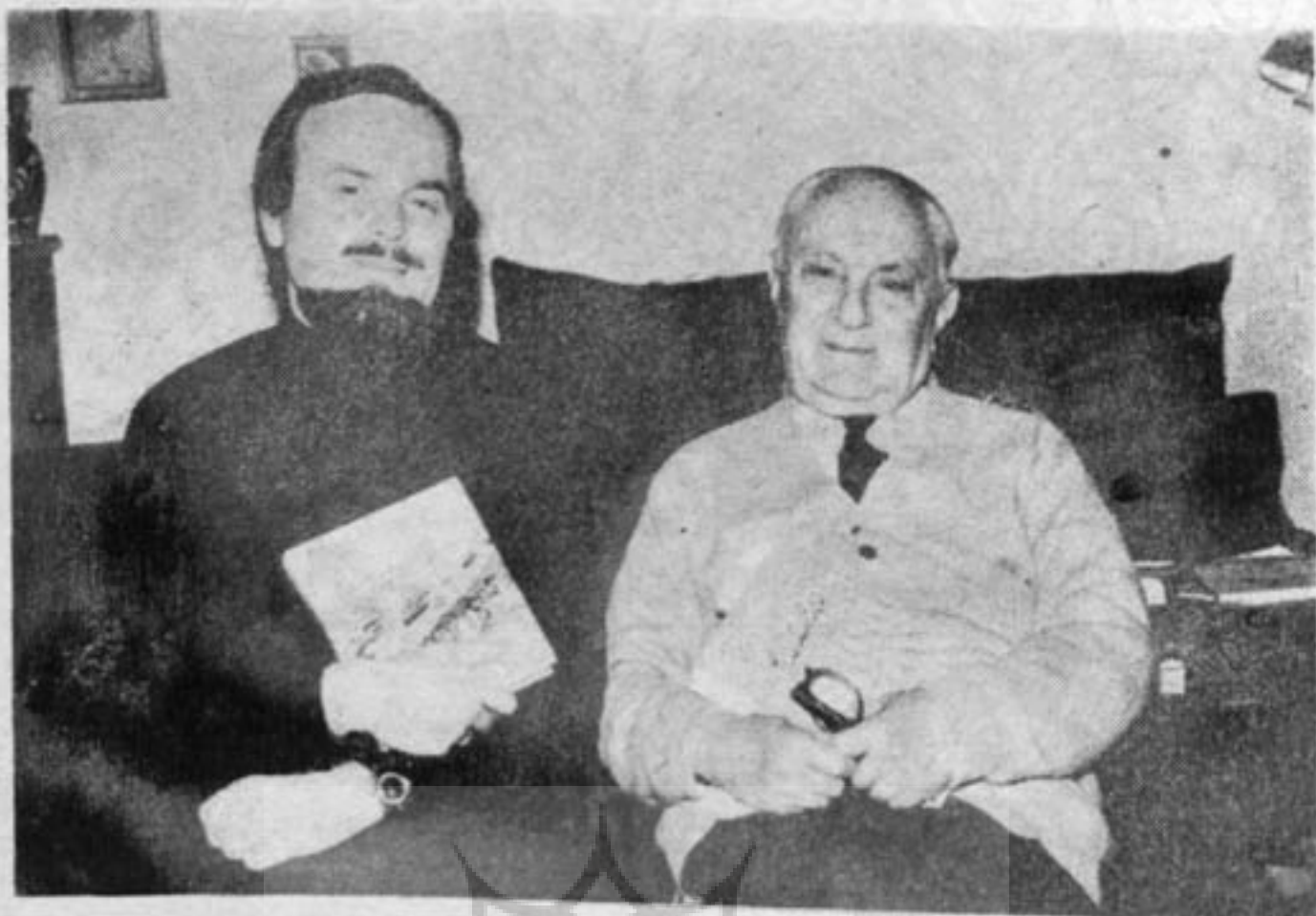
ضرر جرات کلی شد و در صد و نود و شصت خاک خود و بیعت و اعطای آسیای

دلیل این فقره در تاریخ مالک روس مضبوط میگردید است یصد سال

که فراقهای روس باب این شدند که دولت مشارالیه در آسیای

وسطی محلی برای خود سرداده و املاک جدید به تصرفات خود ضمیمه نماید

دولت روس چون در حقیقت طالب بود برای رعایای جدید خود و نظم



سید محمد علی جمالزاده با تفاق برندهوزر دانشمند اتریشی.
این عکس در بهار سال جاری در ژنو برداشته شده است.

«سفرنامه ترکستان و ایران» (هنری موزر) در همان سن و سال جوانی به گوش می‌رسد که روس‌ها در آسیای مرکزی و ترکستان دارای دست‌نویس‌هایی شده‌اند و هیاتهای نظامی و علمی بدان صفحات می‌فرستند و یاری اروپائی‌ها کمتر بدان صفحات از دنیا رسیده و جاهائی بسیار دیدنی است. در کتاب «فرهنگ تاریخی و جغرافیائی سوئیس» (جزوه ۳۹) درباره هنری موزر مطالبی درج شده است و از آن جمله می‌خوانیم که وی در ۱۳ مه ۱۸۴۴ میلادی در سوئیس تولد و در ۱۵ ژوئیه ۱۹۲۳ در سن ۷۹ سالگی وفات یافته است و نیز در آنجا می‌خوانیم که با دربارهای روسیه و اطریش و فرانسه مناسبات دوستانه می‌داشت و از جانب دولت ایران بدرجه سرتیپی نایل گردیده بود، است و در طی مسافرت‌های دور و دراز خود در ممالک آسیای مرکزی مشرق زمین مقدار زیادی اشیاء قیمتی عتیقه و هنری جمع‌آوری نمود و با زحمت بسیار به سوئیس آورد و همه را به «موزه تاریخ» شهر برن هدیه نمود و از طریق دیپلماتیک خدمات شایانی به نفع بوسنی و هرزوگوین و آزادی آنها انجام داده است.

ادامه دارد

حواشی:

- (1) Henri Moser
- (2) Bernol Hauser
- (3) "Musée d, Histoire naturelle" geneve, de Molagnou.

کتاب دارای عکسها و تصاویر بسیار است که راقم این سطور تعدادی از آنها را داده‌ام عکس برداشته‌اند و در همین مقاله بمنظور مزیدفایده خواهد آورد و خود آقای گلین هم چون کتاب موزر را در دسترس نداشته‌اند از کتابهای گوناگون مقداری عکس و تصاویر دلپسند و با ارزش جمع‌آوری فرموده و در کتابی که منتشر ساخته‌اند آورده‌اند.

آقای گلین اظهار تاسف فرموده‌اند که شرح‌احوالی از مترجم و کاتب بدست نیامد و امیدوارند که تا چاپهای بعدی شرح احوال هر دو را بدست آورند و بچاپ آن اقدام فرمایند: راقم این سطور ترجمه احوال چاپ شده خود هنری موزر را بدستیاری یک تن از دوستان اتریشی خودم در ژنو بدست آورده‌ام و امیدوارم در مقاله جداگانه دیگری خلاصه‌ای از آنرا بعرض خوانندگان برسانم.

در اینجا از همین دوست اتریشی خودم آقای «برندهوزر» (۲) (مدیر موزه بسیار «مدرن» و واقعا دیدنی «موزه تاریخ طبیعی» ژنو واقع در خیابان مالانویو (۳) که دیدن آنرا به هموطنانی که به شهر ژنو می‌آیند مخصوصا توصیه می‌کنم که لااقل دو بعد از ظهر یا پیش از ظهر خود را صرف این کار بسیار تماشائی و آموزنده بفرمایند و از ملاحظه مورچه‌های قارچ‌خواری که از امریکای جنوبی آورده‌اند و برای آنها از شیشه و بلور خانه و لانه و مزرعه و نشوونما خانه درست کرده‌اند عبرت بگیرند) سپاسگزاری میکنم که در کار تهیه این مقاله از چند جهت کمک بمن رسانیده‌اند. نویسنده کتاب